

هنر فصاحت و بلاغت در قرآن

نوروز شفیع تبار سماکوش

استادیار گروه معارف دانشگاه پیام نور- ایران

چکیده

امروزه هنریکی از ابزار رایج و موفق در امر تبلیغ است، که خداوند متعال نیز هنر و زیبایی‌های کلام خویش را در ابعاد گوناگون، مخصوصاً از حیث فصاحت و بلاغت، که در آن زمان این خصیصه، از بارزترین هنر مردم جزیره العرب بود، به نمایش گذاشت ((اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ)) یعنی درنهایت زیبایی ظاهر و عمق باطن و متانت و عفت بیان، که به گواه تاریخ، سخت‌ترین قلب‌ها و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین فصحاء و بلغا را بر کرنش و تواضع واداشت؛ و گوی سبقت را در این میدان ربود، و در عالی‌ترین قلّه زیبایی و معرفت قرار گرفت، که بشر نتوانست با آن به رقابت برخیزد. «قُلْ لئنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» و هم چنان یکه‌تاز میدان فصاحت و بلاغت و علم و معرفت با همه ابعادش باقی ماند. گیرایی، زیبایی، نفوذ و تأثیر شگفت قرآن، بی‌تردید از هنر و ویژگی‌های بی‌مانند این کتاب آسمانی است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، هنر، فصاحت، بلاغت

۱- مقدمه

الر، كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (ابراهیم: ۱) قرآن کریم که تجلی باری تعالی است و بزرگترین حجت خدا برای انسان، بدون شک یکی از بی نظیرترین معجزات نبی گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و سرمایه و مرجع مسلمانهاست که حضرت در موارد بسیار مخصوصاً در حدیث ثقلین همگی را برای تمسک به آن فراخوانده‌اند تا سعادت دنیا و آخرت خود را بدین طریق فراهم نمایند. خود حضرت توانستند در طول بیست و سه سال با همین کتاب آسمانی و با تبلیغ رسالت خویش بر مبنای آن، جهان را دگرگون سازند و با خواندن آیات الهی و کلام وحی، دل مردگان را زنده و چراغ سیر الی الله را در وجودشان روشن نمایند.

تجربه انقلاب و نهضت اسلامی امام خمینی (ره) نشان داد که اگر تبلیغ از دین و رسالت عظیم اسلامی متکی بر کلام وحی و روش‌های اتخاذ شده از قرآن باشد، از نفوذ فوق العاده و اعجاب آمیزی برخوردار می‌شود. ما از نزدیک و بالعیان مشاهده کردیم که امام خمینی (ره) با اتکاء به همین روش‌ها چگونه توانستند اسلام ناب محمدی (ص) را به جهانیان بشناساند و دو ابر قدرت شرق و غرب را به لرزه درآورد. قرآن کریم علاوه بر شیوه نوآوری با ابزارهای سنتی متداول میان اعراب و شیوه‌های بلاغت و خطابه را بکار گرفته، با نوآوری‌های خود، شیوه‌هایی را پدید آورد. که راه نفوذ در دلها و گسترش مکتب و جذب نفوس را می‌آموزد، به گونه‌ای که بعد از هزار و چهارصد سال که بشر از نظر قدرت انتقال پیام‌ها و اندیشه، توانسته قلّه‌های بلندی را فتح کند، حرف اول را بزند. حال ما در این مقاله برآنیم که چطور خداوند متعال با زیبایی‌های کلامی‌اش یعنی فصاحت و بلاغت که حرف اول را در جزیره العرب می‌زد و از بارزترین هنر مردم آن زمان بود، توانست آن چنان صحنه‌ای از هنر را به نمایش بگذارد که به گواه تاریخ، سخت‌ترین قلب‌ها و فصیح‌ترین فصحاء و بلغا را به کرنش و تواضع وا دارد. یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، هنر و زیبایی‌های کلامی آن یعنی فصاحت و بلاغت است.

فصاحت، در لغت به معنای خالص بودن و خلیط نداشتن آمده، و در اصطلاح علمای معانی و بیان فصاحت گاه توصیف برای کلمه، و گاه توصیفی برای کلام واقع می‌شود و عبارت است از الفاظی که ظاهری روشن داشته باشد- خالی از حروف یا کلمات ثقیل، پیچیده، و مبهم باشد - به فهم گیرنده نزدیکتر باشد و نامانوس نباشد.

بلاغت، در لغت به معنای رسیدن به انتهای مقصد آمده، اما در اصطلاح علمای معانی و بیان عبارت است از تناسب کلام با مقتضای حال مخاطبین و هماهنگی کامل با هدفی که سخن به خاطر آن گفته می‌شود.

با این بیان، فصاحت بازگشت به کیفیت الفاظ می‌کند، و بلاغت ناظر به کیفیت معنی و محتواست یا به تعبیر دیگر فصاحت به جنبه‌های صوری و ظاهری کلام می‌نگردد، و بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی.

هنر مهمترین ابزار تبلیغ:

هنر که عبارت است از کیفیت بیان و ارائه یک مطلب به شکل زیبا، ظریف و توأم با ذوق، یکی از ابزارهایی که انسان در طول تاریخ خود به وسیله آن بهترین پیام‌ها و ظریف‌ترین ایده‌ها و آرمان‌ها را تبلیغ کرده است و در میان ادیان الهی نیز- با توجه به طبیعت خاص انسان که از هنر لذت می‌برد و از شنیدن مطالب خشک و یک نواخت فراری است - هنر به عنوان مهمترین و بهترین ابزار تبلیغ کاربرد داشته است.

امروزه هم در کشورهای مختلف جهان، استفاده از این روش برای رسیدن به اهداف گوناگون کاری مرسوم و جا افتاده است. بالخصوص القاء فرهنگ در لابلای هنر (فیلم، موسیقی، نقاشی و...) از رایج‌ترین و در عین حال موفق‌ترین اسلوب تبلیغی در جهان محسوب می‌شود.

چنانچه در قرآن کریم نیز از هنر نمایشی جهت تعلیم اهدافی مشخص، مورد استفاده قرار گرفته است. ((خداوند متعال برای اینکه به قابیل بفهماند چگونه برادر مرده خود را به خاک بسپارد، از یک صحنه نمایشی استفاده می‌فرماید که بازیگر آن کلاغی است و با چنگال خود، زمین را گود می‌کند:

«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يورِي سَوَاءَهُ أَحْيَاهُ» (مائده / ۳۱)

[آن گاه خداوند کلاغی فرستاد که زمین را می‌کاوید تا به وی بنمایاند که چگونه جسد برادرش را پنهان کند.]

روشن است که شنیدن یک مطلب اگر با دیدن همراه شود، یعنی سمعی و بصری شود، اثر بیشتری خواهد داشت و نتیجه‌اش اطمینان قلبی است، به همین دلیل حضرت ابراهیم خلیل علیه اسلام گفت:

«زَبَّ أُرْنِي كَيْفَ تُخَيُّ الْمَوْتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لَّيَطْمَنَّ قَلْبِي» (بقره/۲۶۰)

[او (یاد کن) آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار، به من بنمای که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟

گفت: مگر باور نداری؟ گفت چرا، ولیکن تا دلم آرام گیرد.] (قرائتی، ۱۳۷۲: ۱۹۷)

بر همین اساس، برجسته‌ترین و پرنورترین جلوه‌های هنر را در سیمای قرآن کریم، به نمایش گذاشته است. ((قرآن کریم یک اثر هنرمندانه است و عظمت قرآن از جمله، از این جهت است که از لحاظ هنری و بیان و اداء مطلب به شکل هنرمندانه به تمام شیوه‌های هنری هنری زمان خود و قبل از خود و بعد از خود فائق آمد.)) (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۸۱)

زیبایی آیات قرآن کریم را می‌توان در ابعاد گوناگون به تماشا نشست، خصوصاً از حیث فصاحت و بلاغت، که در عصر ظهور اسلام، این خصیصه، بارزترین هنر مردم جزیره العرب را تشکیل می‌داد. قرآن با چینش منظم و حساب شده حرکات و حروف و کلمات، همراه با معانی عمیق و دل‌نشین، آن چنان صحنه‌ای از هنر را به نمایش گذاشت که به گواه تاریخ، سخت‌ترین قلب‌ها و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین فصحاء و بلغا را به کرنش و تواضع واداشته است.

اما باید توجه داشت که هنر، در فرهنگ قرآنی، برخلاف فرهنگ رایج در جوامع بشری- خصوصاً در این عصر- که بیشتر به تخریب فکر و اندیشه و عقل و غوطه ور شدن در دام شهوات نفسانی می‌پردازد، وسیله‌ای برای ارتقاء فکر و اندیشه صحیح، برای رسیدن به سعادت واقعی است. ((در فرهنگ قرآنی هنر وسیله تحریک عقل و انگیزه‌ای برای آغاز و تشدید تفکر به حساب می‌آید، حال آن که در قاموس شیطان، هنر ابزاری برای تخدیر عقل و فریفتن و منحرف کردن فکر به سمت جاذبه‌های ساختگی و کاذب است. هنر مورد نظر قرآن، نه تنها با حقیقت و واقعیت سرستیز ندارد، بلکه در راستای آشنا نمودن هر چه بیشتر انسان با این دو واژه است. قرآن به مخاطب خود هشدار می‌دهد که در تعامل میان هنر و اندیشه، همواره اندیشه و تعقل را حاکم بداند، به این معنا که اگر عقل هنر را هموار کننده راه خود یافت، آن را به خدمت گیرد و در غیر اینصورت فریفته ظواهر آن نگردد، هنرمند و هنر دوست بی اندیشه، بی‌تردید در بند هنر سامری است. (برومند، ۱۳۸۰: ۱۹۶)

در قضیه گوساله سامری، خداوند متعال در قرآن کریم پرده از روی هنر ظریف شیطان برداشته، و عواقب خطرناک آن را به انسان گوش زد می‌کند که چگونه می‌شود در قالب هنر جامعه‌ای را به انحراف کشاند.

«فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ فُكُلًا هَذَا إِلَهُكُمْ وَ اللَّهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ» (طه/۸۸)

او برای آنان کالبد گوساله‌ای برون آورد که او را بانگی بود پس [سامری و پیروانش] گفتند: این خدای شما و خدای موسی است، و [سامری خدای راستین را] از یاد برد.

فصاحت و بلاغت در قرآن کریم:

قرآن کریم در عصری که فصاحت و بلاغت، بارزترین هنر و خصیصه مردم جزیره العرب را تشکیل می‌داد نازل گشت، و با بیان فصیح و بلیغ اش گوی سبقت را در این میدان ربود، و در عالی‌ترین قله معرفت قرار گرفت، که بیشتر نتوانست با آن به رقابت برخیزد.

«قُلْ لئنِ اجْتَمَعَتِ الأنسُ و الجنُّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا» (اسراء/ ۸۸)

[بگو: اگر آدمیان و پریان فراهم آیند تا مانند آن نیارند هر چند از آنان یار برخی باشند.]

و هم چنان یکه‌تاز میدان فصاحت و بلاغت، علم و معرفت با همه ابعادش باقی ماند.

این ویژگی کلام خداوند، آن قدر برجسته و شاخص است که از بارزترین وجوه اعجاز قرآن کریم محسوب می‌شود و نقش بسزایی را در تبلیغ ایفاء می‌کند.

((قرآن دارای دو خصلت است: یکی حقانیت محتوا، و دیگری زیبایی، قرآن نیمی از موفقیت خود را از این راه دارد که از مقوله زیبایی است، از مقوله هنر است، فصاحت و زیبایی سخن، بهترین وسیله است برای اینکه بتواند محتوای خودش را به دیگران برساند.)) (مطهری، ۱۳۶۷، جلد دوم: ۲۱۷)

قرآن کریم در مقام تعلیم، علاوه بر بیان حقیقت، ظواهر مطلب را نیز در نهایت زیبایی مطرح می‌سازد.

«ان القرآن ظاهرهً اُنیقٌ و باطنهً عمیقٌ» (نهج البلاغه: خطبه ۸)

[همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست.]

و به پیامبرش نیز دستور می‌دهد که با بیان بلیغ و رسا با مردم سخن بگوید:

«وَقُلْ لَهُمْ فی انفسِهِمْ قَوْلًا بلیغًا» (نساء/ ۴)

او به آنان گفتاری رسا که در جانشان بنشیند بگو. [که علمای اسلامی از این زیبایی تعبیر به فصاحت و بلاغت می‌کنند، و حتی پیشرفت علمی همچون صرف و نحو، معانی و بیان را مرهون ظاهر زیبای قرآن می‌دانند. ((اهتمامی که علمای اسلام در علوم ادبی پیدا کردن در صرف و نحو معانی و بیان و بدیع که مجموع اینها را فصاحت و بلاغت و محسنات می‌گویند، همه به تبع این زیبایی قرآن بوده؛ چون در قرآن این زیبایی را می‌دیدند برای اینکه بهتر بتوانند زیبایی های قرآن را کشف کنند، این علوم را ابتکار و کشف کردند.)) (مطهری، ۱۳۷۴، جلد ۴: ۵۵)

بر همین اساس قرآن کریم خود را به عنوان بهترین و زیباترین سخن معرفی می‌کند:

«اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» (زمر/ ۲۳) [خدا نیکوترین سخن قرآن را فرو فرستاد.] یعنی نهایت زیبایی ظاهر و عمق باطن و متانت و عفت بیان، و صراحت و قاطعیت و گستردگی مفاهیم، و هماهنگی لفظ و معنی را داراست، و به تعبیری در اعلی درجه فصاحت و بلاغت قرار دارد.

ثمرات و ویژگی های فصاحت و بلاغت:

با توجه به مطالب فوق، فصاحت و بلاغت قرآن کریم دارای ثمرات و ویژگی های زیادی است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - به زانو کشاندن اعراب فصیح و بلیغ:

اعراب جاهلی که در حد اعلای از فصاحت و بلاغت زمان خویش قرار داشتند، و با تمام انگیزه برای مبارزه با قرآن به پا خواسته بودند، در مقابل فصاحت و بلاغت بی نظیر قرآن زانو زدند و چاره‌ای ندیدند جز آن که به پیامبر (ص) نسبت ناروای سحر بدهند.

«فَقَالَ أَنْ هَذَا أَلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ، إِنْ هَذَا أَلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر/۲۴ و ۲۵)

{ پس گفت: این (قرآن) نیست مگر جادویی که (از تعلیم ساحران) بازگفته می‌شود، این نیست مگر گفتار آدمی. }

۲ - تکرارش خسته کننده نیست:

معمولاً هر سخنی با تکرار خسته کننده می‌شود، اما قرآن چنان شیرین است که اگر صدها بار خوانده شود، نه تنها خسته کننده و ملال آور نیست، بلکه جاذبه و شیرینی خود را حفظ می‌کند، و به هنگام ذکر امور مختلف، آن‌ها را در چند شکل متنوع بیان می‌کند تا شنونده هیچ گونه احساس خستگی نکند، و به فرموده امیر مومنان علی (ع):

«لَا تُخْلِفُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ وُلُوجُ السَّمْعِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۶)؛ تکرار و شنیدن پی در پی آیات کهنه‌اش نمی‌سازد، و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود. (نهج البلاغه، دشتی، خطبه: ۹/۱۵۶)

۳ - رعایت متانت و عفت بیان:

آن چه که به فصاحت و بلاغت قرآن، رنگی خاص بخشیده، این است که قرآن در میان مردمی عامی و اغلب دور از آدب و نزاکت، اما هرگز رنگ آن محیط را به خود نگرفت و در تعبیرات خود نهایت متانت و عفت بیان را رعایت نمود. و اگر می‌بینیم کلمه ((فرج)) در قرآن آمده، این کلمه نیز در آن زمان دور از آدب نبود و ((بلکه به عقیده بعضی در لغت عرب الفاظی که صریح در عضو تناسلی باشد و یا صراحت در آمیزش جنسی الفاظی از قبیل ((لمس کردن))، ((داخل شدن))، ((پوشانیدن)) به ((سراغ همسر رفتن)) در آیات مختلف قرآن در این معنی به کار رفته که می‌بینیم همه آنها جنبه کنائی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، جلد ۱۳: ۴۹۳)

۴ - رساندن مطالب با بیانی گویا، کوتاه و دل نشین:

همه آیات قرآن مجید دارای چنین خصوصیتی هستند و با داشتن ظاهری زیبا و کوتاه، از معانی عمیق برخوردارند: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ» (نهج البلاغه، خطبه: ۱۸)
[همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست.]

نمونه روشن آن، آیه ۴۴ سوره هود است که در عین اختصار ماجرای طوفان حضرت نوح (ع) و جزئیات و سرانجام آن را با تعبیرات کوتاه و بسیار پرمعنی شرح می‌دهد:

«وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ وَ غِيْضَ الْمَاءِ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِىِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

[وگفته شد: ای زمین آب خود فرو بر وای آسمان (از باریدن) باز ایست، و آب کاسته گشت- فرورفت- و کارگزارده شد و (کشتی) بر (کوه) جودی آرام گرفت، و گفته شد: گروه ستمکاران را لعنت باد.]

این آیه به قدری رسا و دلنشین و در عین کوتاهی گویا و زنده و با تمام زیبایی آن قدر تکان دهنده و کوبنده است که به گفته جمعی از دانشمندان عرب این آیه فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین آیات قرآن محسوب می‌شود.

شاهد گویای این سخن همان است که در روایات و تواریخ اسلامی می‌خوانیم که گروهی از کفار قریش به مبارزه با قرآن برخاستند و تصمیم گرفتند آیاتی همچون آیات قرآن ابداع کنند، علاقه مندانشان برای مدت چهل روز بهترین مطعمات و

مشروبات مورد علاقه آنان را بر ایشان تدارک دیدند. مغز گندم خالص، گوشت گوسفند و شراب کهنه؛ تا به خیال راحت به ترکیب جمله‌هایی همانند قرآن پردازند! اما هنگامی که به آیه فوق رسیدند، چنان آن‌ها را تکان داد که بعضی به بعض دیگر نگاه کردند و گفتند این سخنی است که هیچ کلامی شبیه آن نیست، و اصولاً شباهت به کلام مخلوقین ندارد، این را گفتند و از تصمیم خود منصرف شدند و مایوسانه پراکنده گشتند.)) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، جلد ۹: ۱۱۰)

۵ - آهنگ پذیری قرآن:

از دیگر ویژگی‌های قرآن کریم ((آهنگ مخصوصی)) است که در هر آیه یا مجموعه‌ای هماهنگ از آیات وجود دارد. اینکه پیامبر سفارش کرده است که قرآن را با صوت حسن بخوانید، (زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ) (مجلسی ۱۴۰۳ ق جلد ۱۹۰: ۸۹) برای همین بوده است که در قرآن چنین استعداد و پذیرشی هست و با آهنگ بهتر می‌توانسته است سازگاری و تناسب داشته باشد. مثلاً وقتی آیات عذاب را ذکر می‌کند با یک سجع‌های کوتاه، جمله‌های کوتاه و مرتب یکی پشت سر دیگری می‌آید، که آهنگی هم که خوانده می‌شود یک آهنگ فشاردار و تندی هست که روح را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مجال هر فراری را از او می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۷۴، جلد ۴: ۵۵۴) و همچنین نعمت‌های بهشتی را با آهنگ مخصوصی ذکر می‌کند که انسان‌ها برای وصول به این نعمت‌های بی‌مانند از طریق ایمان و عمل صالح تشویق شوند.

به هر حال قرآن کریم که سخن خداوند است و برای تربیت انسان نازل شده شیوه مورد بحث را در اوج آن بکار گرفته است، ملاحظه آیات قرآن آشکار می‌کند که کلمات و جملات آن سرسری گرفته نشده، بلکه به زیباترین و جذاب‌ترین هیأت مورد استفاده واقع شده و هنر نمائی می‌کند.

جاذبه شگفت و تأثیر بی‌مانند قرآن کریم:

گیرایی؛ زیبایی، نفوذ و تأثیر شگفت، شورآفرینی، عمل زایی و خروش انگیزی قرآن، بی‌تردید از ابعاد اعجاز و از ویژگی‌های بی‌مانند این کتاب آسمانی است. شورانگیزی و احساس آفرینی و عمل زایی، ویژه قرآن مجید است، هیچ کتاب فلسفی، هیچ کتاب اصلاحی در جهان، شور و احساس آفرینی و عمل زایی قرآن را نداشته و ندارد. (عرفان: ۱۱۹)

شاهد این جاذبه و گیرایی این است که سران قبایل حجاز به خصوص قبیله قریش در عصر نزول قرآن با همه مهارت‌هایی که در شناخت کلام و ایراد بلیغ‌ترین سخن داشتند و با همه هنری که در ارائه لطیف‌ترین معانی با زیباترین الفاظ از خود نشان می‌دادند، و بهترین شعرها- معلقات- را به خانه خدا می‌آویختند، آن گاه که با سخنان قرآن این کلام آسمانی که با محتوایی الهی و الفاظی شیرین در فضای مکه طنین افکند.

مواجه شدند تمام آنان خود را در برابر آن تابش عظیم ضعیف و ناتوان یافتند. و در برابرش زانو زدند و ((معلقات)) را از خانه خدا به زیر کشیدند، و مجذوب بلاغت و فصاحت قرآن شدند و دل و جان بدو سپردند و آثار تربیت و انسان سازی و اعتلای اجتماعی و تمدن و شکوه مکتب را منزل به منزل نگریستند و تابش آفتاب عالم تاب آن را از افق تا افق مشاهده کردند.

قرآن کریم از این طریق بزرگترین عامل تبلیغ اسلام و سبب جذب قلوب و به تسلیم کشاندن عقل‌ها در برابر این معارف بلند و متعالی و پیام آسمانی بود. قرآن مجید در آیاتی چند نفوذ شگفت و جاذبه ژرف خویش را بیان می‌کند، من جمله «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ أَلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (انعام/ ۸۳) او هر زمان آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که از (شوق)، اشک می‌ریزد به خاطر حقیقتی که در یافتند، آن‌ها می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس!

بازتاب‌های این جاذبه شگفت و تأثیر بی‌مانند قرآن کریم را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: ۱- اعتراف رسمی سران کفر به این قضیه، مثل ولید بن مغیره، که مرحوم طبرسی در ذیل آیات ۱۱ تا ۳۰ سوره مدثر می‌فرماید: او مردی است که به حسن تدبیر در میان عرب شهرت داشت و برای حل مشکل اجتماعی از فکر و تدبیر او در زمان جاهلیت استفاده می‌کردند، و به همین جهت او را ((ریحانه قریش)) (گل سرسید قریش!) می‌نامیدند. او پس از آنکه چند آیه از اول سوره ((غافر)) را از پیغمبر شنید در محفلی از طائفه بنی مخزون حاضر شد و چنین گفت: ((به خدا سوگند از محمد سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار انسان‌ها دارد و نه پریان، گفتار او شیرینی خاص و زیبایی مخصوص دارد، بالای آن همچون شاخه‌های درختان برومند) پرثمر، و پائین آن (مانند ریشه‌های درختان کهن) پرمایه است، گفتاری است که بر همه چیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد.

۲- با تبلور زیبایی‌ها و جلوه قرآن ((معلقات)) به دست خود کفر پیشگان به زیر کشیده شد. (عرفان: ۱۲۲)

۳- برای کاستن تأثیر شگفت قرآن، و حفظ منافع دنیوی، آن را ((سحر)) می‌خواندند، یعنی به شیوایی و جذابیت خارق العاده قرآن کریم اعتراف می‌کردند، و چون نمی‌توانستند به مقابله با آن برخیزد، چاره‌ای ندیدند جز آن که این کلام الهی را سحر و آورنده آن را ساحر بنامند:

«فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتِنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (نمل ۳)

ا[پس چون نشانه‌های ما روشن و هویدا بدیشان آمده گفتند: این جادویی است آشکار.]

«وَوَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكٰفِرُونَ هٰذَا سٰحِرٌ كٰذٰبٌ» (ص/۴) او (کافران مکه) شگفتی نمودند از اینکه بیم

کننده‌ای از خودشان بدیشان آمد؛ و کافران گفتند: این جادوگری بس دروغگوست.]

۴- آیات قرآن کریم آن چنان شیرین و جذاب است که حتی دور افتادگان از اسلام بلکه مخالفان پیامبر (ص) و شعرای بزرگ به آن گرایش پیدا کردند. ((جالب اینکه تاریخ می‌گوید: بسیاری از شعرای بنام عرب مثل ((لیبید)) و ((حسان بن ثابت)) و ((خنساء)) و ((اعشی)) هنگامی که خود را در برابر فصاحت قرآن دیدند از جان و دل اسلام را پذیرا شدند)) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۸: ۱۱۹)

۵- اشتیاق بی‌مانند مردم برای استماع قرآن، حتی از طرف سران کفر که در سیره ابن هشام می‌خوانیم سه نفر از سران قریش ((ابوسفیان)) و ((ابوجهل)) و ((اخنس بن شریق)) شبی از شبها برای شنیدن آیات قرآن به طور مخفیانه نزد خانه پیامبر (ص) آمدند در حالی که حضرت نماز می‌خواند و آیات قرآن تلاوت می‌کرد و هر کدام در گوشه‌ای پنهان شدند، بی آن که دیگری با خبر شود و تا صبح گوش به تلاوت قرآن سپرده بودند، هنگام فجر، متفرق شدند، ولی به زودی در جاده یکدیگر را دیدند و هر کدام دیگری را سرزنش می‌کرد و گفتند دیگر این کار را تکرار نکنید که اگر بعضی از سفیهان شما این منظره را ببینند. افکاری برای آنها پیدا می‌شود، شب دیگر همین کار را تکرار کردند، و صبح هنگامی که یکدیگر را مشاهده کردند همان سخنان شب قبل و همان سرزنش‌ها و قرارداد عدم تکرار چنین کاری را مطرح کردند، و به خانه‌های خود رفتند، اتفاقاً شب سوم نیز بر همین مساله دقیقاً تکرار شد، و صبح هنگامی که یکدیگر را بار دیگر ملاقات کردند، بعضی گفتند، ما از اینجا تکان نمی‌خوریم تا عهد و پیمان ببندیم تا همیشه این کار را ترک کنیم، سرانجام پیمان بستند و متفرق شدند. آری جاذبه قرآن آن قدر زیاد بود که حتی دشمنان سرسخت در مقابل آن زانو می‌زدند، و اگر پرده‌های تعصب و لجاج و علاقه به حفظ منافع شخصی، کنار می‌رفت یقیناً ایمان می‌آوردند.)) (همان: ۸۹)

البته این نفوذ و جاذبه شگفت، تعلق به زمان و یا قوم خاصی نداشته، بلکه پیوسته در مسیر زمان و مکان تأثیر گذار بوده است. مثلاً ((فصاحت و بلاغت آیات آغازین سوره مریم که جعفر طیار آن را در برابر نجاشی پادشاه حبشه و دیگر مسیحیان تلاوت کرد، به زیباترین وجهی مشخص می‌کند که در دل نجاشی و دیگر اسقف‌ها و علمای مسیحی اثر کرد، تا آنجا که گریه کردند و محاسنشان تر شد.)) (همان: ۱۰۱)

صاحب تفسیر المنار در اشاره به تأثیر گذاری و جذابیت قرآن کریم می‌گوید: ((برخی از ادیبان زبان عربی در مصر، با اینکه مسلمان نبوده‌اند در شب‌های رمضان بخاطر شنیدن تلاوت آیه‌های قرآن کریم به خانه آشنایان مسلمان خود می‌رفتند، تا از شنیدن و تلاوت آیه‌های قرآن لذت ببرند.)) (رشید رضا، جلد ۱: ۲۰۳)

و موارد بسیار دیگر که تاریخ بر آن گواه می‌دهد، و این است بزرگترین معجزه جاودانه نبوت برای همه عصرها و هم بزرگترین وسیله تبلیغ رسالت.

نتیجه:

در پایان می‌توان نتیجه گرفت همانطور که خداوند متعال در همه زمینه‌ها همانند ندارد و قدرت خدا فوق همه قدرتهاست، ((يَذُ اللّٰهُ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ)) (فتح: ۴۸) در زمینه هنر و زیبایی‌های کلامی نیز هیچ کلامی حتی کلمات گوهر بار پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام به پای کلام خدا نمی‌رسد، زیرا همیشه مخلوق دون خالق است. این هنری که در قرآن کریم به کار رفته، توانسته قلّه‌های بلندی را فتح کند، به گونه‌ای که بعد از هزار و چهارصد سال که بشر از نظر قدرت انتقال پیام‌ها و اندیشه، پیشرفت شایانی کرد، حرف اول را بزند.

بر همین اساس ادیانی چون دین تحریف شده مسیحیت که حدود پنج هزار نوع مجله و روزنامه در بیش از دو میلیارد تیراژ و یکصد و پنجاه هزار روحانی مسیحی در کشورهای دنیا دارد. (قرائتی، ۱۳۷۲: ۱۹) نتوانسته است از گسترش آن بکاهد، و یا دنیای غرب با داشتن این همه فرهنگ تخریبی و ابزارهای تبلیغی متنوع برای انحراف و به دام انداختن جوانان، نتوانسته در بوجود آوردن آرامش و اطمینان جای قرآن را پر کند. تنها قرآن است که شفای دل‌هاست. ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْم مَوْعِظُهُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ)) (یونس/۵۷)

و یاد خدایی را زنده می‌کند که یادش آرامش بخش قلب‌هاست. ((أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)) (رعد/۲۸) امیدوارم که همه انسانها که این قرآن مایه هدایت برای همه آنهاست. ((هُدًى لِّلنَّاسِ)) (بقره/۱۸۵)

مخصوصاً ما مسلمانها بتوانیم از این کلام نورانی و هدیه زیبای الهی، دل خود را به آیات دلنشین، جلاء بخشنده و با عمل به فرامین حیات بخشش، سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین نمائیم، انشاءالله..

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
۳. برومند، سید مهدی «شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت»، انتشارات کتاب مبین؛ چاپ اول ۱۳۸۰
۴. رشید رضا، محمد «تفسیر القرآن الحیکم؛ الشهیر بتفسیر المنار»، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، بی تا
۵. عرفان، حسن «اعجاز در قرآن کریم» انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم، بی تا

۶. قرائتی، محسن «قرآن و تبلیغ» وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۲
۷. کرمی، رضا علی «روش‌های تبلیغ» دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۷۷
۸. مجلسی، محمد باقر «بحارالانوار» داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۹. مطهری، مرتضی «حماسه حسینی»، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، قم، ۱۳۶۷
۱۰. مطهری، مرتضی «مجموعه آثار» جلد چهارم، انتشارات صدرا، چاپ ششم، قم، ۱۳۷۴
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ و سایر همکاران «پیام قرآن» مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، چاپ پنجم، قم، ۱۳۷۴
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ و سایر همکاران «تفسیر نمونه» دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، تهران، ۱۳۷۹

The Art of Eloquence and Rhetoric in the Qur'an

Nowruz Shafi Tabar Samakoush

Assistant Professor, Department of Education, Payame Noor University, Iran

Abstract

Today, art is one of the common and successful tools in the field of propaganda, that God Almighty also expressed the art and beauty of his words in various dimensions, especially in terms of eloquence and rhetoric, which at that time was one of the most prominent arts of the people of the Arabian Peninsula. He showed "Allah has sent down the best of hadiths", which means, in the end, the beauty of the appearance and the depth of the interior, sobriety and chastity of expression, which, as evidenced by history, made the hardest hearts and the most eloquent and eloquent eloquence and humility strain and humble; And snatched the ball of precedence in this field, and was placed in the highest peak of beauty and knowledge, with which man could not compete. "He said, 'If you do not gather the people and the jinn on you, if you eat like this Qur'an, you will not eat with the like of it, and you will remain with it, and if you eat with it, you will eat with it.' The fascination, beauty, influence and amazing effect of the Qur'an are undoubtedly the art and unique features of this divine book.

Keywords: Quran, Art, Eloquence, Rhetoric.
